



آموزش پزشکی

یکی دیگر از علوم که در ایران از ارزش بالایی برخوردار بوده و هنوز هم دارای ارزش است، علم پزشکی بود. تاریخ پزشکی در ایران به دوران پیش از اسلام می‌رسد و اولین مرکز آموزش پزشکی با نام «جدی شاپور» در زمان حکومت ساسانیان ساخته شد. سده نهم تا چهاردهم میلادی، زمان اوج علم پزشکی در ایران است. کسانی نظیر: علی ابن سهل طبری مولف کتاب «فردوس الحکمه»، ابوبکر محمدبن زکریای رازی مولف کتاب «الحاوی»، علی بن عباس مجوسی اهوازی نویسنده کتاب «کامل الصناعه الطیبه الملکی»، ابن سینا صاحب اثر «قانون» و اسماعیل شرف الدین جرجانی نویسنده اثر «ذخیره خوارزمشاهی» از جمله شخصیت‌های برجسته در عالم پزشکی بودند که در این سال‌ها زندگی می‌کردند.

سیر تاریخی علوم پزشکی در ایران

با بررسی سیر تاریخی دانش در ایران متوجه می‌شویم که ایرانیان همواره در فراگیری علوم مختلف چون فلسفه، ریاضیات، نجوم، پزشکی و حکمت سرآمد جوامع دیگر بوده‌اند و در هیچ دوره‌ای از تاریخ از کسب علم و دانش غافل نبوده‌اند و در این مسیر و در رشته‌های مختلف علوم، دانشمندان بزرگی را به جهانیان معرفی کرده‌اند. براساس نوشته‌های برجای مانده در سنگ نبشته‌ها، سابقه پزشکی در ایران به ۸۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد. کلمه پزشک در ایران باستان از واژه ی «بیشه زه» گرفته شده است و در زبان پهلوی «بیشه زک» بوده که بعدها به پزشک تبدیل شده است. کشف سوزن‌های فلزی و شاخ‌های حجامت متعلق به ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد، از مناطق باستانی حاکی از توجه ایرانیان به طب سوزنی و حجامت می‌باشد که در اثر کاوش‌های باستانی پیدا شده است.

علم پزشکی در آموزه‌های دینی ایرانیان باستان نیز مورد تاکید بود به طوری که در کتاب اوستا، از سه چیز به عنوان اساس علم پزشکی ذکر شده است: کارد، گیاهان درمانی و کلام. به احتمال زیاد منظور از این سه چیز، همان جراحی، پزشکی، دعا و نیایش است. در وندیداد نیز، کلام مقدس مفهومی بیش از دعا دارد و به معنی ورد و افسون برای دور کردن بیماری‌ها به شمار می‌رود. علم پزشکی همچنین دارای یکسری احکام و قوانینی بود که طبق آن پزشکان ملزم به رعایت این قوانین بودند. به این ترتیب که: پزشک باید به شتاب به عیادت بیمار رود و هرگاه شخص شب هنگام بیمار شد، پزشک باید تا پیش از پاس دو شب خود را به او برساند و اگر در طول شب بیمار شود، پزشک باید تا پیش از سپیده دم بر بالای سر بیمار برسد. پزشک باید آگاهی کامل از تمامی اندام‌های بدن و مفاصل داشته باشد. وی باید مهربان، صبور، قابل اعتماد، قانع و فروتن باشد. یک پزشک نباید برای مزد بیشتر دوره درمان را افزایش دهد و مزد پزشک بستگی به طبقه اجتماعی بیمار باید باشد. همچنین پزشک باید داری یک اسب تندرو باشد تا در هنگام خطر به کمک بیمار بشتابد.

علم پزشکی با تاسیس دانشگاه جندی شاپور یا گندی شاپور در دوره ساسانیان و در زمان حکمرانی «خسرو انوشیروان» به اوج شکوفایی خود رسید. دانشگاه گندی شاپور اولین دانشگاه علمی ایران و حتی جهان باستان بود که علاوه بر این که در آن علوم فلسفی و پزشکی تدریس می شد دارای یک بیمارستان آموزشی و کتابخانه بود. این دانشگاه حتی پس از حمله اعراب مسلمان به ایران همچنان از رونق علمی برخوردار بود.

علم پزشکی در دوران خلافت بنی امیه دستخوش ناملایمت های فراوانی شد. ایران در این دوران، دچار حوادث و آشوب های بسیاری بود و دانشمندان و پزشکان مورد ظلم امویان قرار گرفتند، نگرش طبقاتی و برتری عرب بر عجم جایگاهی را برای رشد این علم قایل نبود. اما با آغاز حکومت عباسیان رفته رفته تفکرات طبقاتی و برتری عرب بر عجم از بین رفت و بیشتر خلفا به حضور ایرانیان به ویژه دانشمندان و پزشکان در دربار تمایل پیدا کردند و بیشتر مناصب وزارت به پزشکان ایرانی سپرده شد. «سیریل الگود»، نویسنده کتاب «تاریخ پزشکی ایران»، می نویسد: «منصور عباسی که به دلیل بیماری سوهاضمه همواره در رنج بود و اطبای مخصوص خلیفه از درمان آن عاجز و ناتوان بودند، از جورجیس بختیشوع، رییس دانشگاه گندی شاپور، برای آمدن به بغداد دعوت کرد و بختیشوع پس از این دعوت پسرش را به عنوان رییس دانشگاه منصوب نموده و خودش به همراه تعدادی دیگر از همکارانش به بغداد عزیمت کرد. این حضور نقطه ی عطفی برای خاندان بختیشوع و کلیه پزشکان غیر عرب به حساب می آمد.» اما این علم در زمان متوکل عباسی به علت سخت گیری ها و تعصبات متوکل در مسایل مذهبی و غیر مسلمانان به ویژه پزشکان، افول یافت.

با روی کار آمدن آل بویه، علم پزشکی دوباره جانی تازه یافت و با دیگر پزشکان به فعالیت پزشکی خود چون گذشته پرداختند. از کارهای مهم آل بویه به ویژه «عضدالدوله»، احداث بیمارستان در شهرهای مختلف ایران بود. اما تا نیمه قرن ۱۲ هنوز، مرکزی برای کنترل بیماری ها و نظارت بر بهداشت جامعه وجود نداشت. تا این که در نیمه قرن ۱۲، هیاتی به نام «هیات صحه» یا «مجلس صحت» با هدف حفظ سلامت داخلی مملکت تشکیل شد.

در سال ۱۲۲۷ با راه اندازی «دارالفنون» توسط میرزا تقی خان امیر کبیر، صدر اعظم ناصرالدین شاه، اولین آموزشگاه دولتی در ایران با رشته های پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، داروسازی و معدن شناسی فعالیت خود را شروع کرد. ناصرالدین شاه در سفر اروپایی خود، با دیدن امکانات و تاسیسات کشورهای پیشرفته تصمیم به تاسیس بیمارستان در تهران گرفت. در پی این تصمیم، ناظم الاطبا، پزشک مخصوص خود را مامور تاسیس اولین بیمارستان در تهران کرد. این بیمارستان با نام «مریضخانه دولتی» کار خود را آغاز کرد. پس از این اقدام، ناظم الاطبا، پیشنهاد آموزش دانشجوی پزشکی در ایران را به ناصرالدین شاه داد تا بدین طریق کار طبابت بیماران در این بیمارستان توسط پزشکان ایرانی انجام پذیرد. بنابراین این پیشنهاد سرآغاز تدریس علم پزشکی در دارالفنون محسوب می شود و همین امر باعث شد دارالفنون تا زمان تاسیس دانشگاه تهران، تنها مرکز آموزش پزشکی و داروسازی کشور به شمار آید. بعدها یعنی در سال ۱۳۱۹، بیمارستان «مریضخانه دولتی» به پاس گرمیداشت نام پدر طب ایران به «بیمارستان سینا» تغییر نام داد.

در سال ۱۳۱۷ دانشکده پزشکی تهران افتتاح شد و از سال ۱۳۳۲ به آموزش متخصصان پرداخت. به دنبال این دانشگاه، دانشگاه های پزشکی در شهرهایی چون تبریز در سال ۱۳۲۶، مشهد در سال ۱۳۲۸، اصفهان در سال ۱۳۲۵، شیراز در سال ۱۳۲۸ و اهواز افتتاح شدند و مجموع دانشگاه تا سال های ۴۸-۴۹ به هفت دانشکده پزشکی رسید. در دهه ۱۳۵۰ نیز دانشکده های پزشکی فسا، جهرم وابسته به دانشگاه شیراز، کرمان در سال

ارومیه در سال ۱۳۵۶، کرمانشاه، همدان در سال ۱۳۵۴ و علوم تندرستی تهران تاسیس شدند، ۱۳۵۶ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ ستاد انقلاب فرهنگی تاسیس شد و مسولان برنامه ریزی گروه پزشکی وظیفه بازنگری برنامه های آموزشی گروه پزشکی را به عهده گرفتند و در سال های پایانی ۱۳۶۴ با ادغام دانشکده ها و موسسات آموزش عالی گروه پزشکی و وزارت بهداشت، نهادی به نام « وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» به وجود آمد. سپس مقرر شد هر استان دارای یک دانشگاه علوم پزشکی باشد تا کلیه امور آموزشی، پژوهشی، بهداشتی و درمانی استان مربوط به خود را بر عهده گیرد پس از انقلاب اسلامی، ۵۴ دانشکده جدید علوم پزشکی تاسیس شد و ۲۸ دانشکده پزشکی و ۳۳ دانشگاه علوم پزشکی پس از جدا شدن از بخشی از دانشگاه های وزارت علوم به وجود آمدند

نام نهادهای دولتی که از قرن ۱۲ تا به امروز، بهداشت و درمان کشور را بر عهده داشته و دارند به ترتیب عبارتند از: سازمان صحت، اداره کل صحیح مملکتی، اداره کل بهداشتی، وزارت بهداشتی، وزارت بهداشتی و بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی